

## سوژه

آیسان سعیدی - دوحه  
روزنامه‌نگار ورزشیسیاه به رنگ بخت  
واقبلشان

فارغ از اینکه از بین تیم‌های آفریقایی کدام تیم صعود کند و کدام تیم در جام آخر، ناکام بماند، باید آنها را یکی از چهره‌های اصلی مرحله گروهی جام جهانی قطر لقب داد. آنها تا امروز، چهره بازنده صرف جام نبوده‌اند، از خشونت بیش از حد و بازی مبتنی بر سلاخی کردن رقبا خودداری کرده‌اند و با بازی خالصانه و حضور تمام قدشان در زمین، محبوب‌تر هم شده‌اند، اگرچه خدای فوتبال خیلی هوایشان را نداشته است. آفریقایی‌ها عمدتاً تیم‌های دوم و سوم تماشاگران فوتبالدوستند. زندگی سخت در آفریقا از کسی پوشیده نیست. همه می‌دانیم آفریقایی‌ها چیزهای زیادی برای شادی ندارند و پیروزی در جام جهانی می‌تواند بزرگترین شادی را برای ملت‌های فقیرشان به ارمغان بیاورد.

نگاه سیاسی به فوتبال ماحصل ورود سیاستمداران به ورزش است که حتی آب را هم با سیاست می‌نوشند. از دریچه نگاه ما، فوتبال با همین متر ورزش و رقابت نضج می‌یابد و از همین رو این باخت در یک قدمی تاریخ سازی تلخ‌تر از همیشه می‌نماید

سعید آقایی  
روزنامه‌نگار

اشک‌های آرامین رضاییان و سعید عزت‌اللهی، افسوس و حسرت علیرضا بیرانوند و سامان قدوس، حسرت تمام‌نشده مهدی طارمی پایان دردناک تیمی بود که یک قدم با دروازه‌های بهشت فاصله داشت اما در جام آخر زمین خورد و به بهشت نرسید. تیمی که برای نخستین بار در تاریخ جام جهانی می‌توانست با یک تساوی هم طلسم رسیدن به مرحله بعدی را بشکند و تاریخ را ورق بزند اما درست در لحظه موعود سیر انداخت و تسلیم شد. باخت برابر آمریکا از این منظر برای فوتبال ایران دردناک‌تر و تلخ‌تر

## تیرهایی که ذهن‌ها را نشانه رفتند

## تاریخ سازی پشت سد تشویش

از همیشه است. شکستی که برای ما وجه فوتبالی و ورزشی آن اهمیت دارد و پیرنگ‌های سیاسی ابدأ مهم نیست. ما فوتبال را تنها از دریچه فوتبال می‌بینیم و موفقیت‌ها و شکست‌ها را تنها با انگاره‌های ورزشی تحلیل می‌کنیم. نگاه سیاسی به فوتبال ماحصل ورود سیاستمداران به ورزش است که حتی آب را هم با سیاست می‌نوشند. از دریچه نگاه ما، فوتبال با همین متر ورزش و رقابت نضج می‌یابد و از همین رو این باخت در یک قدمی تاریخ سازی تلخ‌تر از همیشه می‌نماید.

برای چرایی این شکست می‌توان دلایل فراوانی را برشمرد و به اشکالات عدیده‌ای اشاره کرد که از منظر فنی و تاکتیکی در این بازی رخ داد تا ایران

مقابل آمریکا بازنده باشد. می‌توان از سیستم دفاعی و از ترس بی‌دلیل نوشت و یا برخی از تعویض‌ها را نقد کرد. حتی می‌توان از پلن اشتباه سرمربی گفت اما در این شکست بی‌تردید باید سهم مهمی را برای فشارهای روحی و روانی پیرامون تیم کنار گذاشت. تیمی که زیر فشار خردکننده‌ای از هر طرف قرار داشت که بخشی از آن را در بازی نخست برابر انگلیس روی سکوی ورزشگاه خلیفه دیدیم.

بدیهی بود تیمی که از هر طرف با شایعات عجیب و غریب بدرقه می‌شد، در زمین تمرکز صددرصدی برای برد و موفقیت نداشته باشد. حتی اگر قرار باشد مهم‌ترین بازی قرن را انجام دهد. این فشارها و این حواشی همچون

تیر زهرآگینی بود که درست به قلب روحیه تیم وارد می‌شد و آثار آن را درون مستطیل سبز به عینه می‌دیدیم. تیمی که انگار چندین وزنه چندکیلویی به ذهن و روان بازیکنانش سنجاق شده بود و آنها را از تمرکز و تصمیم دور می‌کرد. نتیجه این رویکرد و این اتفاقات، یک شکست تلخ بود که ما را از رسیدن به آرزوهایمان بازداشت تا حسرت و افسوس و غم جای شادی و سرخوشی و تاریخ‌سازی را بگیرد. تیمی که تا رسیدن به دور دوم و ورق زدن تاریخ یک قدم می‌خواست اما وقتی روح و روان مشوش باشد، یک قدم که هیچ، نیم قدم و کمتر هم نمی‌توان برداشت. این تیم به ذهن‌های مشوش و فضای پرتنش باخت، نه به حریف.



## هافبک‌های عصا به دست

که این بازیکنان وظایف خودشان را نیز بخوبی انجام ندهند. در طول ۹۰ دقیقه بازیکنان ایران تنها یک شوت به دروازه ایالات متحده زدند که این نشان از ضعف تیمی برای خلق موقعیت دارد. اگر هدف ما بازی تدافعی و گرفتن یک مساوی نیز بود، در نهایت از پیش بر نیامدیم. یکی از انتقاداتی که قبل از شروع جام جهانی به لیست کی‌روش وارد بود دعوت شدن هافبک‌های تدافعی مثل علی کریمی که مدت زیادی در مصدومیت به سر می‌برد و در یکی از ضعیف‌ترین لیگ‌های اروپا فقط عنوان لژیونر بودن را یاد می‌کشد، بود. در نهایت بازی‌ها نشان داد که بازیکنان لیگ‌های داخلی عملکرد بهتری نسبت به لژیونرها دارند و شاید بهتر بود سی کیو با دقت بیشتری لیگ را دنبال می‌کرد.

ایمان گودرزی  
روزنامه‌نگار

رویی حضور در جمع ۱۶ تیم برتر و ادامه حضور در قطر برای ملی‌پوشان به پایان رسید. بار دیگر باید به سراغ جمله‌های کلیشه‌ای برای التیام دردهای حذف و ناکامی برویم. کاری به بقیه پست‌های تیم نداریم، بیایید نگاهی به خط هافبک تیم ملی و مدافعان وسط و دفاعی تیم بیندازیم. در مهم‌ترین و حساس‌ترین بازی تیم ملی در بازی سوم مقابل ایالات متحده ضعیف‌ترین عملکرد را از خط هافبک تیم ملی شاهد بودیم. مشکل‌های سیاسی ندارم. در زمین ورزش ایران و آمریکا همیشه جوانمردانه با هم مصاف داده‌اند و این بخشی است از زیبایی ورزش.

## یک تیم قابل احترام

سینا فتوت - دوحه  
روزنامه‌نگار

بازی را مقابل آمریکا باختیم اما نمی‌شود از برد حریف گفت و روحیه بالای تیمی آنها را تحسین نکرد. این تیم فوتبالشان دوست‌داشتنی است. یکی از سیال‌ترین تیم‌هایی هستند که تا به امروز دیده‌ایم. بسیار خوب پخش می‌شوند، بسیار خوب دفاع می‌کنند و بسیار خوب در زمین حضور دارند. در کارهای تاکتیکی عالی هستند. در کارهای تیمی و زوج‌سازی‌ها حرف ندارند. روحیه تیمی و حرکات آنها در زمین هم بسیار حرفه‌ای است. یانکی‌ها مقابل ما نه دنبال ضدفوتبال بودند و نه دنبال بیانیه‌های سیاسی. سال‌هاست در فوتبال به صورت

یانکی‌ها مقابل ما نه دنبال ضدفوتبال بودند و نه دنبال بیانیه‌های سیاسی. سال‌هاست در فوتبال به صورت حرفه‌ای و علمی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و نتیجه این سرمایه‌گذاری شده تیمی که می‌بینید

اینها به کنار، آنها بازیکنان شایسته‌ای هم هستند. دوست داشتن آنها دلیل خاصی نمی‌خواهد. این محبوبیت الکی نیست. آنها برای به دست آوردن سخت کار کرده‌اند و در باشگاه‌های اروپایی حسابی درخشیده‌اند. در فضای آلوده به نژادپرستی امروز در فوتبال و فضای مجازی، می‌توانیم مطمئن باشیم هر بازیکن موفق سپاه پوست هدف هزاران گل‌گوله پیدا و پنهان نژادپرست‌ها قرار گرفته.

اما تا امروز در قطر آفریقایی‌ها چه کرده‌اند؟ در گروه اول سنگال با یک برد خوب برابر اکوادور طبق انتظارات به دور دوم رسید. تیم شایسته‌ای که بدون سادیو مانه هم تیغدار است و اگرچه جام را چندان خوب آغاز نکرد اما می‌تواند شگفتی‌ساز شود.

در گروه هفتم دل اندوه زده من با کامرونی‌هاست. آنها فقط یک امتیاز دارند. سر بازی‌شان با سوییس دعا کردیم که دست کم یک مساوی بگیرند که قسمتشان نبود. تساوی مقابل صربستان کمی آرزوهایشان را زنده نگه داشت و بازی آخرشان با برزیل یک جنون تمام عیار خواهد بود. آیا توان شکست برزیلی‌ها را دارند؟

در گروه آخر هم غنا قرار دارد که در یک بازی دراماتیک با برد کره ۳ امتیاز را به جیب زده و در رتبه دوم گروه قرار گرفته. بازی آخر آنها با اروگوئه یک امتیازی است و امید بالایی وجود دارد که آنها بتوانند از آشفتنگی رختکن این تیم و دعوای درونی‌شان به سود خود بهره ببرند. ببینیم شانس با آنها یار خواهد بود یا نه.



## یانکی‌ها، کلکسیون همه نژادها

سام ستارزاده  
روزنامه‌نگار

در کنفرانس مطبوعاتی پیش از بازی ایران و آمریکا، تایلر آدامز، کاپیتان ۲۳ ساله و رنگین پوست یانکی‌ها، در واکنش به پرسش خبرنگاری در مورد تبعیض نژادی در آمریکا، پاسخ داده بود: «تبعیض نژادی در همه جای دنیا وجود دارد. آنچه من آموختم این است که در آمریکا، ما هر روز در حال پیشرفت از طریق تحصیل هستیم.»

فارغ از عرصه‌های غیرفوتبالی، پیشرفت در تیم ملی فوتبال مردان آمریکا در دهه‌های اخیر، از چند جنبه کاملاً ملموس است. فوتبال

امریکا برای چهارمین مرتبه در هزاره جدید، صعود به دور دوم جام جهانی را تجربه کرد، آنچه پیش‌تر تنها ۳ مرتبه در ادوار قبل چشیده بود. اما مهم‌تر از آن، تیم ملی کنونی ایالات متحده به معنای واقعی کلمه متحدترین و یکدست‌ترین تیم دهه‌های اخیر آنان است.

در لیست ستارگان آمریکایی، نه‌تنها آمریکایی‌های اصیل، بلکه مهاجران اروپایی و آفریقایی هم دیده می‌شوند. یونس موسی، پدیده ۱۹ ساله آمریکا و حاجی رایت، مهاجم گلزن آنان، مسلمان هستند. شک مور، وستون مک‌کنی، کلین آگوستا، تیموتی

بویژه نزد آمریکایی‌های بومی؛ اما این ورزش با به دست آوردن دل مهاجران و رنگین‌پوستان به گزینه جذابی برای سرمایه‌گذاران فوتبالی سرشناس همچون شرکت ردبول و گروه فوتبال سیتی تبدیل شد. تیم آینده‌داری که با حذف یوزهای پارسی به دور یک هشتم جام جهانی قطر رسید تیمی است از جنس اغلب مردم آمریکا. تیمی که هیچ تفکر، اصالت یا نژاد خاصی از رسیدن به آن محروم نمی‌گردد. شکست مقابل آمریکا در عین شایستگی، تلخ و ناگوار بود؛ اما عبرتی بود برای فوتبال ایران و فوتبال‌لیست‌های شایسته کشورمان.

وقتی برای  
نوحه سرایی  
نیستهومن جعفری  
روزنامه‌نگار

حذف شدن تلخ است. درد دارد. بد حذف شدن تلخ‌تر است. بیشتر درد دارد. ما بیشتر از خیلی تیم‌های دیگر درد کشیدیم، چون بدتر حذف شدیم. در ما شیر گرسنه و دریده‌ای بود که به پند کشیده شده بود تا گریه‌های پیر افتاده در کنج، برای بقای خود بجنگد. جنگیدیم و باختیم. بد جنگیدیم و باختیم. دلم نمی‌آید شعر معروف نصرت رحمانی را بازنویسی کنم که اینجا آرمگاه جنگجویی است که نجات می‌دهد و شکست خورد. جنگیدیم. اما نه آن طور که دوست تصدیق کند و دشمن تأیید. باری به هر جهت بازی کردیم. شیر جنگجوی بازی با ولز را فرستادیم باغ وحش برایمان بلیت بفروشد و خود رضایت دادیم که پیراهن دامادی را تن رقیب کنیم. بازی با آمریکا قرار بود نقطه عطف باشد اما بیشتر به نقطه پایان شبیه شد. به نظر من که کارلوس کی‌روش را بی‌اندازه قبول دارم، این دیدار پایان مربیگری او در ایران بود. حتی اگر در ایران بماند و به کارش ادامه دهد، دیگر از او چیز بیشتری نخواهیم گرفت. او هر چه داشت در این سال‌ها به ما آموخت. زیاد یاد داد و کم پول گرفت. فقط مجسم کنید قصه پول‌یامفتی را که ریختیم در شکم مفتخور شایادی مثل ویلموتس. کی‌روش کم پول گرفت. هر چه گرفت، یک جنم پادشاهی‌های صعود ما به جام جهانی نیست کما اینکه برای ما نسلی ساخت که ۱۰ سال برای ما دویدند. من دنبال علت باخت ایران به آمریکا نیستم. من دنبال آینده‌ام. وظیفه من بعد از ۲۲ سال روزنامه‌نگاری ورزشی، نوحه‌سرایی ورزشی بالای سر قبر مردگان نیست. من وظیفه دارم از آینده بنویسم و از تیم ملی، از هروه رنار که باید زودتر برای جذب کردن یکی مثل او بجنگیم. ایران مربی خارجی زیاد آورده. دنبال یکی مثل سایننتو باشیم که بیاید و دو سه ماهه یک تیم تمام دفاعی را به یک تیم تمام تهاجمی تبدیل کند. دنبال یکی مثل رنار باشیم. پیدا کردنش اصلاً دشوار نیست.